

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۷

بررسی شناخت سبکی و بنیادهای ایدئولوژیک شعر پروین با محوریت «زن»
(ص ۹۳-۱۱۰)

زهرآقاسمی^۱ دکتر محبوبه خراسانی (نویسندهٔ مسئول)^۲ دکتر سیدمهدی زرقانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: پائیز ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

از آنجا که بین ساختار استعاره، جهان‌بینی و ذهنیت شاعر ارتباط مستقیمی وجود دارد، بررسی استعاره‌های موجود در زبان یک شاعر، یکی از راه‌های دست یافتن به جهان‌بینی شاعرانهٔ اوست. در مطالعات زبان‌شناسی جدید، واژه‌های استعاری، نمودگاری از تجربیات فرهنگی، جغرافیایی، تاریخی و احساسی نویسنده است. در میان زنان شاعر معاصر، پروین اعتصامی هرچند که شعرهایی در حمایت از حقوق زنان، حفظ حرمت و اهمیت آنها سروده و به حمایت از زنان، دختران و مادران پرداخته است؛ اما به نظر میرسد که پروین با نگاهی که بیشتر پایبند به معیارهای سنتی است، آنچنان که انتظار می‌رود نتوانسته مطالبات جامعهٔ زنان را طبق نیاز آنها مطرح کند.

این پژوهش، در پی آن است تا با رویکرد به نظریهٔ استعارهٔ مفهومی، دریابد استعاره‌های "زن" در شعر پروین، چگونه مطرح شده است. نگارنده در پی پاسخ به این پرسش، میکوشد تا بنیادهای ذهنی شاعر را در ارتباط با زن، مشخص نماید و موضعگیری او را با توجه به تجربیات احساسی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ادبی، مشخص کند. گویا شاعر با گزینش استعاره‌ها، دیدگاه سنتی خود را تبیین و بر برخی از مفاهیم، تمرکز و تأکید میکند و آنها را برجسته مینماید و بعضی از آنها را به حاشیه میراند و گاه، پنهان میکند.

کلمات کلیدی: استعاره، پروین اعتصامی، زن، برجسته‌سازی، پنهان‌سازی

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
z.ghasemi5484@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
najafdan@gmail.com

۳. استادگروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
irzarghani@yahoo.com

۱. مقدمه و ضرورت بحث

معمولاً ساختار استعاره، بر پایه قیاس معنایی و تعامل ادراکات گوناگون از پدیده‌های مختلف شکل می‌گیرد و این مقایسه، میان پدیده‌هایی اتفاق می‌افتد که ارتباطی بین آنها وجود دارد. در تعاریف سنتی از استعاره، همواره بین استعاره با مجاز و تشبیه، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. به این شکل که با تصوّر وجود وجه شباهتی که میان دو پدیده وجود دارد، میتوانیم از لفظ یکی، برای نامیدن دیگری استفاده کنیم.

حال آنکه در مطالعات زبانشناسی جدید، به استعاره، صرفاً بعنوان یکی از نقشهای فرعی زبان، نگاه نمی‌شود؛ بلکه تعریف استعاره از اصطلاحاتی مانند "مستعارله"، "مستعارمنه" و محدودیت زبانی که این مناسبات، ایجاد میکند، گسترده‌تر میشود و واژه‌های استعاری، بیانی از تجربیات فرهنگی، جغرافیایی، تاریخی، احساسی و ادبی نویسنده است که برای آشکار کردن برخی مفاهیم ذهنی و پنهان کردن گروهی دیگر بکار میرود.

در واقع استعاره، درک و شیوه بیان جدیدی از تجربه را برای انسان فراهم میکند و معنای تازه‌ای به آن میدهد و ابزار مهمی در جهت دادن به احساسات، عقاید و اعمال انسان، بشمار میرود؛ چرا که پیوند بسیار محکمی میان تجربه‌های روزمره و آفرینش استعاری وجود دارد.

بر این اساس نویسنده، یک مفهوم (برای نمونه "زن") را با توجه به ارتباط و وجوه اشتراکی که میتواند با عناصر غیرانسانی، مجازی و استعاری، برقرار کند، در مجموعه‌ای از تصاویر و انگاره‌های گیاهی، جانوری، اشیاء، طبیعت، زمان و حتی امورانتزاعی، با استفاده از تشبیه، بزمفهوم‌سازی (در نظریه استعاره مفهومی، بجایگزین کردن یک واژه، در قالب شباهت، به واژه دیگر که فرآیند استعاره‌سازی در آن شکل می‌گیرد، بزمفهوم‌سازی می‌گویند) میکند تا به این شکل، به بیانی شخصی و متفاوت از تجربه‌های خود، بپردازد. همچنین، ساختار ایدئولوژیک استعاره، به انگاره‌های استعاری، این امکان را میدهد که بخشی از مفاهیمی را که با مشبه ("قلمرو مقصد" در تعبیر استعاره شناختی)، در ارتباط مستقیم و دارای وجوه اشتراک هستند، برجسته کند و ذهن خواننده را بر آن متمرکز کند و در نتیجه، جنبه‌های دیگر آن مفاهیم را که با آن تصاویر و انگاره‌ها، در تضاد است، کم‌رنگ و پنهان کند.

در شعر پروین اعتصامی، ارتباط محکمی بین تعبیر استعاری و نوع نگرش شاعر نسبت به زن دیده میشود. نگرشی که "زن را در درجه اول، یک مادر و درجه دوم، یک همسر برای مرد می‌بیند و گاه فراموش میکند که او بیش از هر چیز، یک انسان است با خواسته‌های فردی خاص خودش (چشم انداز شعر معاصر ایران، زرقانی: ۱۸۰).

در این پژوهش که براساس تحلیل جزء به جزء استعاره‌های شعر خانم اعتصامی انجام شده است، به پرسشهای زیر پاسخ خواهیم داد:

۱- گزینش طرحواره‌های استعاری مختلف در شعر پروین اعتصامی، چه نقشی در تبیین نگرش

و موضعگیری شاعر نسبت زن، دارد؟

۲- طرحواره‌های استعاری در ارتباط با مفهوم "زن" در شعر پروین، چه مفاهیمی را برجسته و پررنگ و چه مفاهیمی را کمرنگ و پنهان میکند؟
برای پاسخگویی به این دو پرسش، تمام استعاره‌های مفهومی در ارتباط با "زن"، از مجموعه اشعار پروین استخراج و مورد ارزیابی قرار گرفته تا تأثیر آن، در سبک زبانی و ادبی شاعر مورد تأیید قرار گیرد. همچنین بررسی تصاویر و انگاره‌های استعاری مختلف، نشان میدهد که شاعر چگونه برخی از مفاهیم مرتبط با اخلاق، عفاف و تقوا را برجسته میکند و برخی دیگر از مفاهیم مربوط به "زن" را که با آن مفاهیم قبلی و با ساختار ذهنی و ایدئولوژیک خودش در تضاد است، کمرنگ و پنهان میکند.

۲. روش تحقیق

گفتنی است که این پژوهش، با روش تحلیلی - توصیفی انجام یافته است. بدیهی است دستیابی به نتایج تازه و متفاوت که از بررسی طرحواره‌های استعاری حاصل میشود، ضرورت چنین پژوهشی را نشان میدهد. پژوهشی که حاصل آن، روشن ساختن لایه‌های پنهان و نیمه آشکار ذهن و اندیشه شاعر است.

۳. پیشینه تحقیق

در غرب، محققان پیوسته در این زمینه آثاری را تألیف و تدوین کرده‌اند و میدانیم که «تردید درباره استعاره به مثابه شکل غیرمنطقی و غیرعلمی کلام، در قرن نوزدهم در نقدی عام بر «شناخت» مطرح میشود (استعاره، مبنای تفکر و ابزار زیبایی آفرینی، افراشی: ص ۱۵)؛ اما در ایران هنوز جزء حوزه‌های نو محسوب میشود و بیشتر مطالعات استعاره، با رویکرد به نظریه شناختی - با توجه به ماهیت و قابلیت‌های زبانی و محتوایی این دیدگاه - مربوط به حوزه‌های روانشناسی، زبانشناسی، مسائل فلسفی و عرفانی است.

در مورد پیشینه پژوهش حاضر باید گفت که در حوزه چارچوب نظری هنوز کاری مستقل و قابل توجه به زبان فارسی چاپ نشده و بیشتر منابع، ترجمه مقالات و یا کتابهایی است که به زبان لاتین نوشته شده است. برای نمونه میتوان به کتابهای «استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم» اثر جرج لیکاف و مارک جانسون ترجمه هاجرا آقابراهیمی به سال ۱۳۹۴ و «استعاره، مبنای تفکر و زیبایی آفرینی»، کاری از گروه مترجمان به کوشش فرهاد ساسانی به سال ۱۳۸۳ اشاره کرد. این کتاب شامل مقالاتی از اومبرتو آکو، مایکل ردی و جورج لیکاف است. کتاب «استعاره و مجاز با رویکرد شناختی»، گردآوری: آنتونیو بارسولونا با ترجمه فرزانه سجودی، لیلیا صادقی و تینا امراللهی، اثر دیگری است که در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است.

همچنین در زمینه درونمایه‌های زنانه در شعر پروین اعتصامی، مقالات مختلف و مفیدی چاپ شده است:

- ۱- «زن از دیدگاه پروین اعتصامی و باحث‌البادیه»، حامد، صدقی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، بهار و تابستان، ۱۳۸۲.
- ۲- «زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر»، عبدالرضا مدرس زاد و صدیقه ارباب سلیمانی، نشریه علمی و پژوهشی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۸، ش ۲۹، بهار ۱۳۹۵.
- ۳- «مقایسه ارزشها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی»، زهره جعفری و عبدالله نصرتی، بهارستان سخن (فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات فارسی)، سال ۱۲، ش ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- ۴- «نقد اصالت زن در شعر پروین اعتصامی»، قاسم صحرائی، محمد خسروی شکیب، فصلنامه تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاداسلامی واحد بوشهر، ۱۳۸۹، ش ۳.
- ۵- «شعر فمینیستی نویافته‌ای از پروین اعتصامی، مریم حسینی، زن در فرهنگ و هنر(پژوهش زنان)، دوره ۲، ش ۱، پاییز ۱۳۸۹.
- ۶- «نابرابرهای جنسیتی و طبقاتی در اندیشه پروین اعتصامی»، ابوالفضل ذوالفقاری و مسلم میرزایی، زن در فرهنگ و هنر(پژوهش زنان)، دوره ۲، ش ۳، بهار ۱۳۹۰.
- ۷- «پروین اعتصامی و اثرپذیری از اندیشه‌های قاسم امین منادی آزادی زن در مصر» سیدمحمدرضابن‌الرسول و دکترمحسن محمدی فشارکی، نشریه ادبیات تطبیقی(علمی و پژوهشی)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال ۳، ش ۵، زمستان ۱۳۹۰.
- ۸- «مفاهیم و درونمایه‌های زنانه در شعر پروین اعتصامی»، الیاس نورایی و اسماعیل حسن‌زاده، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی(بهارادب)، سال ۸، ش ۱، بهار ۱۳۹۴.
- ۹- «تبیین مؤلفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی»، مریم صادقی گیوی و بهاره پرهیزگاری، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، ش ۲۰، بهار ۱۳۹۰.
- ۱۰- «تحلیل تعامل سه شاعر زن معاصر با نمونه‌ای از سنت فرهنگی رایج ایرانی» سیدمهدی زرقانی، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۰، بهار ۱۳۹۰.
- ۱۱- «تمایزگونگی جنسیت در اشعار پروین اعتصامی»، آزاده شریفی مقدم و آناهیتا بردبار، دوفصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی زبان پژوهشی دانشگاه الزهراء، سال ۲، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- ۱۲- «تجدیدنظرطلبی در جایگاه زن: تجلی اندیشه مشروطه‌خواهانه اعتصام‌الملک در اشعار پروین اعتصامی»، منیرالسادات میرهادی، مطالعات تاریخ اسلام، سال ۶، ش ۲۱، تابستان ۱۳۹۳.
- ۱۳- «جایگاه زن ایرانی در شعر معاصر»، عیسی داراب‌پور، فصلنامه علمی و پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۲، ش ۷، بهار ۱۳۹۰.
- ۱۴- «خانواده و مناسبات خانوادگی در دیوان پروین اعتصامی»، مریم‌السادات اسعدی

فیروزآبادی، فصلنامه علمی و پژوهشی زن و فرهنگ، سال ۵، ش ۱۷، پاییز ۱۳۹۲.
 ۱۵- «زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد»، طاهره سیدرضایی،
 مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا، سال ۱، ش ۱، بهار ۱۳۸۹.
 شایان ذکر است که تاکنون پژوهشی درباره ابعاد مختلف مفهوم «زن»، با رویکرد
 به نظریه استعاره شناختی در مورد اشعار پروین اعتصامی انجام نشده است.

۴. استعاره

- استعاره شناختی

از دیدگاه شناختی، اساس استعاره سازی، تنها بر بنیاد شباهت نیست. به اعتقاد
 لیکاف و جانسون (اولین کسانی که نظریه استعاره مفهومی را در سال ۱۹۸۰ با انتشار
 کتاب "استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم"، مطرح کردند)، اصلی که در استعاره سازی
 میان قلمروهای مقصد و مبدأ وجود دارد، اصل تجربه است. این تجربه میتواند فیزیکی
 باشد؛ یعنی مربوط به بدن انسان و در مواردی محیطی و طبیعی باشد و یا فرهنگی، اعم از
 مسائل اجتماعی، سیاسی و هر چیزی که مرتبط بجامعه انسانی است (Metaphors We
 Live By, Lakoff: ۱۴۷- ۱۵۵). بنابراین در این دیدگاه، استعاره به معنی درک و تجربه
 چیزی در اصطلاحات و عبارات چیزی دیگر میباشد؛ یا به سخن دقیقتر، گاهی به درک
 امور انتزاعی و ذهنی (قلمرو مقصد)^۱ از طریق مفاهیم عینی (قلمرو مبدأ) آطلاق میشود.
 در واقع در تعریف استعاره شناختی، میتوان گفت: قلمرو مقصد، مانند "مشبه" در
 تشبیه و قلمرو مبدأ، مانند "مشبه به" در تشبیه است که در این ساختار استعاری، قلمرو
 مقصد (مستعار له)، همیشه محذوف و قلمرو مبدأ (مستعار منه)، با وجود قراین مشخصی
 از شباهتها و مطابقتها معنایی و مفهومی که بین آنها وجود دارد، مستعار له خود را در
 حوزه‌های مفهومی متفاوت، توضیح میدهد.

۵. یافته‌های پژوهش

باتوجه به اینکه استعاره از دیدگاه شناختی، ارتباط مستقیمی با ایدئولوژی دارد. به این
 معنی که نویسندگان و متفکران، بگونه‌ای متفاوت از دیگران، ذهنیات، تجربیات و باورهای
 شخصی خود را سازماندهی میکنند؛ با مطالعه آثار آنها، میتوان به شیوه نگرش، سبک و
 باورهای شخصی و ایدئولوژیک آنها که در قالب طرحواره‌های استعاری در نوشته‌های آنها
 شبیه سازی و تبیین میشود، پی برد.

1. Target Domain

2. source Domain

همچنین "برجسته‌سازی" و "پنهان‌سازی" می‌تواند کارکرد ایدئولوژیک مؤثری در تبیین باورهای نویسنده و شاعر داشته باشد. در واقع "استعاره‌ها می‌توانند با "برجسته‌سازی"، "کمرنگ‌سازی"^۲ و "پنهان‌سازی"^۳ ویژگی‌های مشخص از یک مفهوم، چشم‌انداز تازه‌ای از واقعیت را ترسیم میکنند تا در خدمت ایدئولوژی قرار گیرد و به بقا و مشروعیت روابط قدرت در جامعه، کمک کند. پنهان‌سازی ایدئولوژی، کارکرد نهفته استعاره‌های مفهومی است و زمانی که هر استعاره مفهومی مورد پذیرش حافظه جمعی اجتماع قرار می‌گیرد، پیامدهای ایدئولوژیک خواهد داشت. به این معنا، استعاره‌ها، حاصل ایدئولوژیند و با پذیرش آنها از سوی افراد، ایدئولوژی بازتولید میشود (Metaphors: ۱۵۲ The Language of).
در این پژوهش کوشیده‌ایم تا با استفاده از جنبه‌ها و قابلیت‌های گوناگون استعاره شناختی، به کاوش لایه‌های آشکار و پنهان شعر پروین اعتصامی در ارتباط با مفهوم زن بپردازیم.

در ادامه، با نگاهی کوتاه بر زندگی پروین اعتصامی به بررسی و ارزیابی تمام استعاره‌های شعر ایشان در ارتباط با مفهوم "زن" می‌پردازیم و میکوشیم با تحلیل این استعاره‌ها، ساختار و شاکله اعتقادی و بنیانهای ذهنی شاعر را در ارتباط با مفهوم زن، با توجه به نقشهای مادری، همسری و معشوقی بررسی کنیم.

خانم اعتصامی، از زنان برجسته و از ارکان ادب فارسی است که در سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد و در محضر پدر و از محافلی که در خانه پدریش با حضور بزرگان علم و ادب برگزار میشد، بهره‌ها برد و با نبوغی که داشت، آراء فلسفی و اخلاقی خود را که آمیخته با تهذیب، تربیت و پرهیزگاری بود، به کمک صورخیال و تصویرسازیهای بی‌نظیر خود، با شیوه‌ای هنرمندانه و مؤثر بیان کرد.

"پروین آزادی و پیشرفت واقعی زنان را در رهایی تمام نهادها و گروه‌های اجتماعی ایران از زنجیرهای اسارت و بندگی زورمندان جامعه میدانست و در تحلیل مسائل اجتماعی، دیدی تنگ‌نظرانه و زن‌مدارانه نداشت و در واقع، او زن را مقابل ظلم قرار میدهد و نه، زن را در برابر مرد" (حدیث ناگفته، حائری: ۲۹۴).

باتوجه به اینکه که «فرهنگ زن ایرانی در عصر پروین اعتصامی، فرهنگی ایرانی و اسلامی است و باورهای زنان ایرانی به این فرهنگ بسیار قوی است؛ نگاه و بیان پروین نیز با این باور و اندیشه پیوندی عمیق دارد. ایشان در اشعار خود «با یادآوری محدودیتها

1. Highlighting

2. Downplaying

و دوران سخت و ناهمواری را که زن در جامعهٔ ایرانی پشت سر گذاشته است، کوشیده تا سیمای واقعی زن را بجامعهٔ خود نشان دهد. او آشکارا بیان داشت که زن، رکن خانهٔ هستی و هموارکنندهٔ راه زندگی است» (صحرايي و خسروي شكيب: ۱۱۱). بنابراین شاعر با انگیزهٔ آزادی خواهی و استیفای حقوق زنان، به خلق استعاره‌هایی می‌پردازد که از اندیشهٔ ژرف و دانش‌طلب او مایه می‌گیرد و در کارگاه خیالش به آنها جان می‌دهد و سرانجام، استعاره‌ها، به نمودگاری از ساختار ذهنی او دربارهٔ مفهوم زن، تبدیل می‌شوند.

میدانیم که برترین هنر پروین اعتصامی آن است که به اشیاء و عناصر بیجان، عناصر موجود در طبیعت، حیوانات و حتی اسم معنی، جان و شخصیت انسانی می‌بخشد و صفات نیک و بد انسانی مانند عاطفه، مهر و قهر، دوستی و دشمنی، غرور و نخوت، پرهیزگاری و مهرورزی و ... را به آنها نسبت می‌دهد و به این شکل، دیدگاه خود را به مخاطب معرفی و منتقل می‌کند.

در نمونه‌های زیر، قلمروی مقصد زن (مستعارله) را که در قلمرو مبدأهای (مستعارمنه) گوناگونی تصویرگری شده، با توضیح ساختار ذهنی و دلایل احتمالی گزینش شاعر می‌آوریم. بخشی از مفاهیم استعاری شعر پروین با توجه به نگاهی که نسبت به زن دارد، در قلمروهای مبدأهای "حریر، گنج، فرشته، کعبه، کتان، درخت، نخل بارور، زمین، خورشید، پروانه، کشتی، لنگر کشتی و رکن خانهٔ هستی، شمع، علم، عقل، طبیعت، گل و غواص"، تصویرگری و نگاشت یافته است.

با توجه به اینکه "در دوران معاصر جوانان، خصوصا روشنفکران با توجه به پیشرفت و ترقی غرب و مقایسهٔ آن با جامعهٔ خویش، با حقیقتی مواجه شده بودند که بیانگر رشدنیافتگی علمی و اقتصادی بود. به همین منظور در پی تغییر آن برآمدند و برای رسیدن به پیشرفت آزادی، برابری حقوق زن و مرد و حق حاکمیت ملی و دوری از تبعیضات طبقاتی به تلاش و مبارزه پرداختند" (پاشا پسندی، پارسایی و حمیدی: صص ۳۰-۹). پروین اعتصامی نیز در پی آگاهسازی جامعهٔ زنان و با هدف تشویق آنان برای دست یافتن بجایگاه واقعیشان، مستعارمنه‌هایی را در ارتباط با مفهوم زن انتخاب می‌کند که بیانگر نگاه کمالگرای اوست و در ضمن به ویژگیهای مثبت وجود زن، تواناییها و قابلیت‌های ذاتی او اشاره دارد. فرآیند استعاری شعر پروین در ارتباط با زن، قادر به ساختن گزاره‌های زیر است:

زن، حریر است؛ زن، گنج است؛ زن، فرشته است؛ زن، کعبه است؛ زن، کتان است؛ زن، خورشید است؛ زن، درخت است؛ زن، نخل بارور است؛ زن، پروانه است؛ زن، کشتی است؛ زن، لنگر کشتی است؛ زن، شمع است؛ زن، زمین است؛ زن، سلطان است؛ زن، دایه و نگهبان است؛ زن، علم است؛ زن، عقل است؛ زن، طیب و پرستار است؛ زن، رکن خانه است؛ زن،

گل است؛ زن، حریر است؛ زن غوّاص است.

شاعر در قطعه معروف «فرشته انس» که با محوریت «زن» سروده شده، زن را در نگاره‌های استعاری متفاوتی تصویر کرده است. قلمرو مبداهایی که بر ویژگی‌های مثبت زن مانند مهرورزی، ارزشمند بودن، دانایی، تکیه‌گاه و پشت و پناه بودن و همچنین اصل و اساس و ستون زندگی بودن زن، اشاره دارد:

- زن، خورشید است.

چو مهر گر که نمیتافت زن به کوه وجود نداشت گوهری عشق گوهر اندر کان
(دیوان اشعار: ۴۵۲)

- زن، کشتی است.

چو ناخداست خردمند و کشتیش محکم دگرچه باک ز امواج و ورطه طوفان (۲۵۴)
بعضی از طرحواره‌های استعاری شعر پروین، فارغ از قید جنسیت بوده و مخاطب او هر انسان صاحب‌دل و آگاهی می‌تواند باشد:

- زن، حریر و کتان است.

هرآن گروه که پیچیده شد به دوک خرد بکارخانه همت حریر گشت و کتان (۲۵۶)
از آنجایی که پروین منشأ هر سعادت و خسرانی را در جامعه، ناشی از فرهیختگی و یا نادانی و ناآگاهی یک زن در مقام مادر میداند، پیوسته بر رکن و ستون بودن و اهمیت آموزش علم و فضایل اخلاقی برای زنان، تاکید می‌ورزد.
در شعر «آرزوها»، با نگاهی فراجنسی، معتقد است هرکس که وجودش با دانش و هنر انس بگیرد، ارزش و اعتبار پیدا میکند و مخاطب را دعوت میکند به اینکه مانند «سرو و صنوبر» نباشد که میوه و حاصلی ندارد؛ بلکه با شوق به آموختن، وجود همچون نخل بارور خود را به لباس هنر و دانش بیاراید؛ زیرا به اعتقاد او، هنر، برترین و دست‌نیافتنی‌ترین متاعی است که در هیچ بازاری بدست نمی‌آید:

- زن، درخت است.

گوشوار حکمت اندر گوش جان آویختن چشم دل را با چراغ جان منور داشتن
در گلستان هنر چون نخل بودن بارور عار از ناچیزی سرو و صنوبر داشتن (۱۴۶)
در شعری که «در تعزیت پدر» نام‌گرفته، از وجود خود به «گنج پدر» تعبیر کرده، که نشانگر ارزش وجودی این بانوی فرهیخته و ادب‌آموخته بعنوان «زن» در نگاه مردانه پدر است. پدری آزادی‌خواه چون یوسف اعتصام‌الملک که شخصاً تأثیر زیادی بر تربیت اخلاقی،

فرهنگی و ادبی پروین داشت. «اعتصام الملک، دخترش پروین را ترغیب کرد با استفاده از قریحه شاعری اش دعوت به آزادی زن را پی گیرد. اشعار پروین درحقیقت پنجره‌ای بود که پدرش، خود را از ورای آن مینمود» (ابن‌الرسول و محمدی فشارکی: صص ۵۹-۴۰)

- زن، گنج است.

گنج خود خواندیم و رفتی و بگذاشتیم ای عجب بعد تو با کیست نگهبانی من (۲۶۱)

- زن، رکن خانه هستی است.

زن از نخست بود رکن خانه هستی که ساخت خانه بی پای بست و بنیان (۲۵۴)

در شعر پروین، بخشی از قلمرومبدهای شبیه‌سازی شده برای مفهوم «زن»، اسم معنی هستند «جان، عقل و علم». استعاره‌هایی که بر ارزشهای اخلاقی و شخصیتی زن، تأکید میکنند و بیانگر وسیعترین افقهای ذهنی شاعر در مورد زن میباشد. مستعارمنه‌هایی که جهانبینی و افکار شاعر را در پرده خیال او با عالیترین قلمروها تصویرگری میکنند و در این تصویرگری بیش از هر چیز، زبان و سبک شعری او را به زبان و سبک شاعری ناصر خسرو و سنایی نزدیک میکند.

میبینیم که «ارزشهای بنیادین مورد توجه پروین اعتصامی، به نوعی بیانگر عکس‌العمل زنان شاعر ایرانی در برابر شرایط محیط فردی و اجتماعی در عصر بیداری و نیز بیانگر جهانبینی و نگرش آنان در دوره حیاتشان است» (جعفری، زهره و نصرتی، عبدالله: ۶۹-۹۰).

شاعر با توجه به ساختار ذهنی، احساسی، اخلاقی و زبانی خود، «جسم» را به کودکی مانند میکند که «جان» باید دایگی و تربیت او را به عهده بگیرد و «عقل» را مانند مادری دلسوز تصور میکند که حاصل و نتیجه‌اش، علم و دانایی است:

- زن، جان، عقل و علم است.

جسم چون کودک و جان است و را دایه عقل چون مادر و علم است و را دختر (۳۴۲)

آخرین بخش از طرحواره‌های استعاری شعر پروین که بیش از همه، مبین دیدگاه سنتی اوست، شامل استعاره‌هایی است که بیشتر بر روحیه تعهدپذیری و نصیحتگری او در مقام مادری و گاه همسری است. شاعر برای زن در جایگاه مادری، ممنوعیتهای و معذوریتهایی متصور است. در این جایگاه، پروین زنان را به شکلی تلویحی بیشتر به مدارا و تسلیم در برابر موضع مردسالارانه توصیه میکند. دیدگاهی که برای زن به شکلی مستقل و فارغ از نقش همسری و یا مادری، حقوقی متصور نیست و پیوسته با یادآوری بی اعتباری دنیا، زنان را به تسلیم و مدارا توصیه میکند. در این سطور به نمونه‌هایی از این نوع بیان شاعرانه اشاره میشود:

در شعری با ساختن مناظره‌ای تأمل برانگیز بین "گل" و "خار"، مفهوم "زن" را در طر حواره استعاری "گل" تصویرگری و نگاشت میکنند^۱. گل به خار طعنه میزند که من از همسری و همراهی با تو بیزار و ناراحت هستم و گویا با بیانی تلویحی، ناهمگونی خار و گل را در این همنشینی، به گردن تقدیر می‌اندازد که ظاهراً چاره‌ای جز تن دادن و پذیرفتن آن نیست و در نهایت مخاطب را به عبرت گرفتن از روزگار ناپایدار توجّه میدهد:

- زن، گل است.

در باغ، وقت صبح چنین گفت گل به خار کز خویش، هیچ نایدت ای زشت‌روی، عار
 .. با من ترا چه دعوی مهر است و همسری ناچیزی توام، همه جا کرد شرمسار
 در صحبت تو، پاک مرا تار و پود سوخت شاد آن گلی که خار و خسش نیست در جوار (۳۲۸)
 خار در جواب او میگوید که روزگار "سُستِ مهر"، برای تو راحتی و برای من رنج آفرید و در نهایت، خار با توضیحی آمیخته به مفاهیم فلسفی به گل، تمام مسؤولیت این همنشینی نامناسب را نتیجه اجبار سرنوشت میداند:

گر خار یا گلیم، سرانجام نیستی است در باغ دهر، هیچ گلی نیست پایدار (۳۳۱)
 گاهی مستعار من (قلمرو مبدأ) زن، در شعر او پرندگانی هستند که در بستر معنایی شعر، برای بیان مفاهیمی از قبیل "از خودگذشتگی" و "ایثار" می‌آید و به این ترتیب، ساختار ذهنی سنتی و تا حدی گوشه‌گیر شاعر در ارتباط با حضور زن در اجتماع آشکار میشود:

- زن، پرنده است.

گنجشک خُرد گفت سحر با کبوتری کاخر تو هم برون کن از این آشیان سری (۳۹۳)
 شعر مربوط به داستان گفتگوی بین گنجشک و کبوتر است. گنجشک به کبوتر میگوید: تو هم سری از آشیانت بیرون کن و آفاق روشن را ببین و پرواز کن و از طبیعت بهره ببر. کبوتر جواب میدهد که من هم مثل تو بودم اما اکنون که مادرم نمیتوانم این کار را انجام دهم، چون به روزگار اعتمادی نیست و میترسم پرواز کنم و کودکانم دچار خطر شوند.

- زن، موش است.

داستان بچه موشی است که برخلاف نصیحت‌های دلسوزانه مادرش از خانه بیرون میرود و در تله می‌افتد و درمییابد که سرانجام کسی که به نصیحت و پند دلسوزانه مادر گوش نکند و فریفته حرص و طمع شود، رنج و گرفتاری است:

موشکی را به مهر مادر گفت که بسی گیرودار در ره ماست
 سوی انبار چشم بسته مرو که نهان فتنه‌ها به پیش و قفاست... (۱۶۹)

۱- در بیت‌های بعدی نیز، با آوردن تعبیر «عروس‌وار» برای «گل»، بر این تصویرسازی استعاری تأکید میکنند: ... از خود نبود آگهی، از ضعف کودکی / آن ساعتی که چهره گشودی عروس‌وار (دیوان اشعار: ۳۲۹).

- زن، پرنده است.

مرغکی خُرد و کوچک، مادر محافظه‌کار و مصلحت‌اندیش خود را به چالش میکشد و از او میپرسد: تا کی باید در خانه‌ای تاریک و تنها زندگی کنیم؛ من مثل تو، عمر خود را در ساختن خانه تباه نمیکنم، وقتی پرواز یاد بگیرم، میپریم و به این طرف و آن طرف میروم." مادر میگوید تو هنوز بچه‌ای و سخنان کودکانه میگویی وقتی از فتنه دام و دانه آگاه شوی، آن وقت قدر آشیانه امن را میدانی. میبینیم که شاعر در این آفرینش استعاری، چگونه جایگاه زن را در موضع ضعف و مصلحت‌اندیشی همراه با ترس، تبیین میکند و آنچنان که انتظار می‌رود، با قدرت ظاهر نمیشود:

دی مرغکی به مادر خود گفت تا به چند ماییم همیشه به تاریک‌خانه‌ای.. (۳۶۲)
توجه به احساسات و عواطف مادری در دیوان پروین، جلوه خاصی دارد و در بسیاری از شعرها، مفهوم «زن» را در طرحواره استعاری (مستعارمنه) «پرنده» تصویرگری و نگاشت میکند. پندگانی که در حکم نگهبان و پرستاری دلسوز برای فرزندان هستند و بزرگترین وظیفه آنها، پاسداری از آشیان و فرزندان بی تجربه است.

- زن، طبیب، پرستار، شحنه و دربان است.

در این نمونه استعاری، شاعر مهمترین وظیفه و مسؤولیت زن را در ضمن نقش همسری و مادری، طبیبی، پرستاری، شحنگی و دربانی میداند. مسؤولیتی که فداکاری، گذشت و صبر فراوانی را میطلبد:

زن نکوی نه بانوی خانه تنها بود طبیب بود و پرستار و شحنه و دربان (۵۵۲)
نکته قابل توجه اینکه، پروین علیرغم وقوفی که به ظلم و ستمهای وارده بر جمعیت زنان دارد، در داستانهایش، راه حلی برای رهایی از سامانه مردسالار ارائه نمیدهد. استعاره‌های پرنده، در شعر او اغلب خودشان به ضعیف و ناتوان بودن اعتراف میکنند. آنها زنانی قانع، نجیب و صبور هستند که بدنبال چالشهای جنجال برانگیز نیستند. مادرانی که نه تنها خودشان در پی دردسر نیستند؛ بلکه فرزندان‌شان را نیز به صبوری، قناعت و مماشات با محیط پیرامون و اطرافیان توصیه میکنند. این شیوه تصویرگری در ارتباط با زن را میتوان "بیانگر ذهنیت منفعل شاعر در مواجهه با سنت مردانه"^۱ دانست.

در نتیجه هرچند شاعر در شعرش به تعالیم انسانی و اجتماعی، دردها و رنجهای طبقات محروم، آزادی خواهی، انسان دوستی، تعاون و حمایت از یتیمان و بیوه‌زنان و ... توجه ویژه‌ای دارد، اما فضای کلی شعر او فاقد ساختار شکنی و جنبشی محسوس و تأثیرگذار بر محیط زندگی اوست و "روح خاصی که در شعر پروین همه جا لایح و هویداست و شاید زاده محیط

۱- برای مطالعه بیشتر ر.ک: تحلیل تعامل سه زن شاعر با نمونه‌ای از سنت فرهنگی رایج ایرانی، زرکانی، ۱۳۸۹، ص: ۲۳۵.

زندگی او باشد، یک روح تسلیم بلاشرط در برابر حوادث و وقایع جهان مادی و معنوی و شکایت از ناپایداری جهان و در ضمن دل‌داری یافتن از این ناپایداری و استغناء از بی‌ثباتی کار جهان و بی‌سامانی این سامان است. آن پرخاش نسبت به ناگواریها و آن خشم و کینی که گاهی دست در سینه افلاک و عناصر هم می‌افکند و در آثار بسیاری از شعرای جهان هست، مطلقاً در آثار پروین نیست" (معجزه پروین، قدمیاری: ۸۹).

به هر حال دانستیم که با بررسی استعاره‌ها، با توجه به دیدگاه شناختی، قدری بیشتر می‌توانیم تجربیات فرهنگی، اجتماعی، ادبی، احساسی شاعر را بشناسیم و اهداف مختلف ایشان را در گزینش استعاره‌های متنوع دریابیم.

طبق نظریه استعاره مفهومی، به لفظ استعاره در این ساختار استعاری «استعاره زبانی» و به برداشت مفهومی و معنایی که ما از آن استعاره داریم، «استعاره شناختی» می‌گوییم. برای نمونه در ساختار استعاری «زن، خورشید است»، خورشید، استعاره زبانی و «گرما بخشی و مهرورزی»، استعاره شناختی است. به همین ترتیب در جدول زیر مجموعه‌ای از استعاره‌های زبانی و شناختی در ارتباط با مفهوم «زن» را می‌آوریم.

استعاره زبانی	استعاره شناختی	استعاره زبانی	استعاره شناختی
خورشید	گرما بخشی و مهرورزی	کشتی	دلگرمی و آسایش
حریر و کتان	ارزشمندی و گراندگری	لنگر کشتی	پشتوانه و دلگرمی بودن
درخت، نخل	باروری و مفید بودن	علم و عقل	دانایی و اخلاقی بودن
رکن خانه	اصل و اساس بودن	گنج	بازرزش و مهم بودن
طیب، پرستار	درمانگر و نگهدارنده	دایه، نگهبان	مراقب و نگهدار بودن
شمع	روشنگری، سوزندگی	سلطان	مدیر و راهنما بودن
فرشته، کعبه	پاک و مقدس بودن	زمین	زایایی و شکوفایی
شمع	روشنی بخش و هدایتگری	گل، حریر	زیبایی و لطافت
پروانه	عاشقی و فداکاری	غواص	جستجوگری

«زن» مفرد قلمرو

جدول استعاره‌های زبانی و شناختی

۶. کارکرد ایدئولوژیک استعاره‌ها (پنهان‌سازی / برجسته‌سازی)

در بخش تئوری توضیح دادیم که استعاره‌ها، چگونه می‌توانند ویژگی‌های خاص از یک

مفهوم را با «برجسته‌سازی»، «کمرنگ‌سازی» و «پنهان‌سازی» به مخاطب القاء کنند. در این سطور با تحلیل طرحواره‌های استعاری، برآنیم تا گوشه‌های پنهان یا برجسته شده از تجربیات فکری، عاطفی و ایدئولوژیک شاعر را در قالب طرحواره‌های استعاری نشان دهیم:

- زن، شمع است.

زن را به راه متاعب نمی‌گذاخت چو شمع نمیشناخت کس این راه تیره را پایان (۴۵۲)

در این استعاره، باتوجه به نگاه سنتی که شاعر به زن دارد، او را مانند شمعی میداند که با گذاختن و سوختن و فدا کردن خود، تیرگیها و سختیهای زندگی را برای اطرافیان خود، روشن و آسان میکند و درواقع، وجه "سوختن" و "روشنگر" بودن مفهوم زن را برجسته میکند و به این شکل، نقش اخلاقی زن، در قالب استعاره "شمع" نمود پیدا میکند تا شاعر بتواند از آن برای روشنگری، هدایتگری و فداکاری زن در مسیر زندگی، سود جوید و جنبه‌های دیگر مفهوم زن را، که با این استعاره ناسازگار است، پنهان میکند. "روشن است که اخلاق برای پروین مقدم بر هر امر دیگری است. او قبل از آن که یک عارف یا یک زاهد یا حتی یک زن، یعنی خودش باشد، یک معلم اخلاق سنجیده میشود و اگر مطابق آن بود ارزشمند است و در غیر اینصورت مردود است" (بهبهانی، یادنامه پروین: ۸۹).

- زن، خورشید است.

چون مهر گر که نمیتافت زن به کوه وجود نداشت گوهری عشق گوهری اندر کان (۲۵۴)

شاعر، مفهوم زن را بر قلمرو مبدأ «مهر» تصویرگری کرده است و به این شکل، وجه «تابندگی» و «گرمای» وجود زن را برجسته میکند و با توجه به اینکه استعاره مفهومی «خورشید»، استعاره‌ایست که مفهوم مرکزیت، نوربخشی، گرمابخشی، هدایتگری، عشق‌ورزی و... را در خود دارد، شاعر با قرینه‌سازی آن با مفهوم «زن»، درواقع همین ویژگیها را، از آن زن میداند و در نتیجه مفاهیم متضاد با این مفهوم استعاری را کمرنگ و پنهان میکند.

- زن، جان، عقل و علم است.

جسم چون کودک و جان است و را دایه عقل چون مادر و علم است و را دختر (۳۴۲)

آرزوی همیشگی پروین برای زنان این بود که به لباس عقل و خرد آراسته شوند و اینگونه مفهوم‌سازی بر قلمرو «جان، عقل و علم» که به جنبه‌های مثبت وجود زن توجه دارد، آن‌هم در جامعه مردسالار زمان شاعر، که زن جایگاه مناسبی در مقایسه با مرد ندارد، حامل پیام مهمی است و شاعر در پی آن است تا چشم‌انداز تازه‌ای از جنبه‌های وجودی زن را نشان دهد و بر اندیشه حاکم در جامعه‌ای که فکر را به مردان و احساس و عاطفه را به زنان نسبت میدهند، خط بطلان بکشد. همچنین «پروین برای مبارزه و احیای حقوق زن، کسب علم و دانش و بیداری زنان جامعه را پیشنهاد میدهد (مدرس‌زاده و ارباب سلیمانی: صص ۹۱-۱۲۰).

در نهایت، گفتنی است که شاعر، وجه «علم» و «دانایی» را در وجود زن، برجسته و هر وجهی را که با مفهوم این طرحواره استعاری در تضاد است، کمرنگ و یا پنهان میکند.

- زن، حریر و کتان است.

هر آن گروه که پیچیده شد به دوک خرد بکارخانه همت حریر گشت و کتان (همان): در این استعاره نیز، با برجسته کردن وجه «عقل و خرد» برای زن، موضع فکری خود را پررنگ و برجسته میکند. او پیوسته از زنان می‌خواهد که به دنبال رنگ تقلید از صورتهای ظاهری و مادی تحوّل زنان در اروپا نباشند و بدانند که با کسب علم و دانایی، بشریت را نجات خواهند داد و آراستگی به فضل و دانش را برترین وسیله‌ رهایی انسان میدانند.

- زن طیب، شحنه و دربان است.

زن نکوی نه بانوی خانه تنها بود طیب بود و پرستار و شحنه و دربان (۲۵۵) غالب بودن نگاه سنتی پروین به زن، در شعرها نمایان است و با استعاره‌هایی که برمیکزیند، وجوهی مثل طیب، شحنه و دربان بودن، مفهوم زن را برجسته میکند که در حقیقت این نوع نگاه، به نوعی به غالب بودن نقش «مادری» زن از بین دیگر نقشهای زن، منتهی میشود. درواقع شاعر در این بیت، به چند نقشی بودن زن اشاره دارد.

زن، در نگاه او «کدبانو» است، «طیب»، «پرستار» و مرهم درد و رنجهای اهل خانه است، «شحنه و دربان» و محافظ خانواده است. در ارزیابی و بررسی طرحواره‌های استعاری در ارتباط با مفهوم «زن» در شعر پروین، میبینیم که «پروین با رویکرد گذشته‌نگری و آینده‌پژوهی، ابعاد گوناگون هویت زن را در دو بُعد کلی؛ سنتی و مدرن تبیین میکند تا در عین حفظ میراث‌های متعالی و ارزنده گذشته، جامعه پویا و آینده درخشان را پیریزی کند. او تلاش میکند تا بین نگرشهای مدرن که از زن انتظار تحصیل و حضور در جامعه را دارد و ارزشهای سنتی که خواهان مادری دلسوز و همسری فداکار است، نوعی پیوند و ارتباط ایجاد کند» (معجزه پروین، قدمیاری: ۲۱۴).

بنابراین، میبینیم که در ساختار مفهومی شعر پروین، نقشهای امروزی زن، نقشهای روزمره و سنتی او را نفی نمیکند؛ بلکه میتواند تکمیل‌کننده و تقویت‌کننده نقشهای سنتی باشد.

- زن، سلطان است.

حدیث مهر کجا خواند طفل بی‌مادر نظام و امن کجا یافت مُلک بی‌سلطان (۲۵۴) مفهوم «زن»، بر قلمرو مبدأ «سلطان» نگاشت شده است که شاعر وجه «غالب بودن مهر و محبت مادرانه» و هم، وجه «مدیریتی» وجود زن را بر کانون خانواده، برجسته میکند. از کنار این گزینشهای استعاری نمیتوان به‌سادگی گذشت، توجه کنید که در «سلطان» همه چیز هست، «قدرت»، «شکوه»، «مدیریت»، «درایت»، «مالکیت» و ... که اگر سلطانی،

درایت و قدرت لازم را برای مدیریت یک مُلک نداشته باشد، آن مُلک رو به خرابی و ویرانی می‌رود؛ این حکم در مورد مُلک کوچک خانواده نیز مصداق دارد و انتخاب این طرحواره استعاری، میزان اهمیت وجود زن را از نگاه پروین، در ساختن جامعه کوچک و بااهمیتی مانند خانواده نشان می‌دهد و در حقیقت بشکلی پنهان به مخاطب این مفهوم را القاء میکند که باید به زن بعنوان موجودی صاحب قدرت و توانایی نگریست؛ نه کسی که میتوان او را محدود کرد و ظلم و ستم بر او روا داشت.

- زن، درخت است.

در گلستان هنر چون نخل بودن بارور عار از ناچیزی سرو و صنوبر داشتن (۱۴۶) در این استعاره، وجه «باروری» و «ثمربخشی» مفهوم «زن»، برجسته شده است. گفتیم که در بسیاری از شعرهای پروین، قید جنسیتی وجود ندارد و «شعر پروین اصلاً غیرجنسی است؛ یعنی زنانگی و مردانگی در آن دیده نمیشود؛ چراکه در غالب اشعار او هم احساس از ایده جدا شده و هم، از رابطه‌های واقعی دور شده است» (حکیم بانوی شعر فارسی، چاووش اکبری: ۲۸۶).

به باور پروین، زن ممتاز و شایسته، زنی است که هنرور بوده و در این حوزه، ثمره و نتیجه‌ای از خود بجای بگذارد. بر این اساس او در قالب این استعاره، به تعلیم این نکته می‌پردازد که در مقام یک زن، در حوزه «هنر» نیز باید ثمربخش و مفید بود.

- زن، گل است.

به گل گفتم رموز دل‌فریبی به بلبل داستان دوستاری (۲۷۲) در این استعاره، هدف شاعر از مفهوم‌سازی «زن» در قلمرو مبدأ «گل»، برجسته کردن وجه «زیبایی و فریبایی» زن است و به این شکل بخشی دیگر از ویژگیهای زن را که با این وجه از وجود زن، تناسبی ندارد، به حاشیه رانده و پنهان میکند. نکته قابل توجه در بیشتر شعرهای پروین اعتصامی، این است که مفهوم «زن»، در طرحواره‌های استعاری مختلفی نگاشت میشود اما بندرت پیش می‌آید که وی به جوهی مانند: «زیبایی»، «دل‌فریبی» و «افسونگری» زن اشاره کند؛ گویا در شعر پروین، «حتی عشق زن و مرد و یاد از آن، هرچند در نهایت عفت و هرچند به‌دور از آلودگی، از محرّمات است» (همان: ۲۴۶)؛ تا جاییکه گویا این شکل تعامل در برابر جامعه مردان، بعنوان دستورالعملی اخلاقی، تعلیمی و گاهی اسلامی، به زنان دیگر نیز توصیه میشود:

بلبلی شیفته میگفت به گل که جمال تو چراغ چمن است (۱۶۵) در این شعر که ابتدا با شرح دل‌باختگی بلبل نسبت به گل شروع میشود، شاعر خیلی خلاصه و با شتاب از آن می‌گذرد و گریز می‌زند تا اینکه نتیجه‌ای اخلاقی از این عشق‌ورزی

بگیرد. گل به بلبل جواب می‌دهد: امروز که من زیبا هستم و مجالس را می‌آرایم تو شیفته من هستی، اما وقتی من پژمرده شدم، دیگر کسی هواخواه من نیست؛ حتی تو هم، سراغ معشوق دیگری خواهی رفت. در این دنیا عاشقان مثل تو زیاد هستند؛ ولی عاشق باید عشق واقعی در دلش نفوذ کرده باشد و جاننش را در راه معشوق فدا کند که در این شبیه‌سازی، بیوفایی مرد را برجسته میکند و ذهن خواننده را به سمت وجه پنهان و مغفول مفهوم زن؛ یعنی «وفاداری» به زندگی جلب میکند.

گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری کاخر تو هم برون کن از این آشیان سری (۳۹۳)

گنجشک به کبوتر میگوید که تو هم سرت را از آشیانه بیرون بیاور، آفاق روشن است، خواب و پرواز کن و از طبیعت بهره‌مند شو. کبوتر میگوید: من هم مانند تو بودم اما اکنون چون «مادر» هستم نمیتوانم این کارها را انجام دهم؛ چون به روزگار اعتمادی نیست و میترسم که پرواز کنم و کودکانم دچار خطر شوند... اکنون نوبت پرواز ما نیست، نوبت کودکان ماست.

در این شعر و چندین شعر دیگر «زن» در قلمرو مبدأ «پرنده» نگاشت شده است و در همه آنها وجه «پرستاری»، «نگهبانی» و «تعهدپذیری» زن، پررنگ و برجسته شده است. پروین بر این اعتقاد است که نقش زنان و مادران در تربیت و اصلاح جامعه، نقشی اساسی است که اگر نادیده گرفته شود، بخش عظیمی از جامعه به تباهی کشیده میشود. «یکی از علمای اجتماعی میگوید: در میان امواج بلایات و طوفانهای حوادث وارده به شرق، قسمتی از عجز و عدم موفقیت شرقیان به این سبب است که به تربیت زنان التفات نکردند، آنها را عضو عاطل بشریت پنداشته، نصف قوای خود را ضایع نمودند؛ مادران نومید نادان، اولاد خودشان را با بی‌دانشی بزرگ کردند؛ اطفال شرق، در داخل از تربیت خانوادگی و در خارج از تأدیب و تهذیب محروم ماندند؛ لاجرم، اسباب تباهی و تیره‌روزی دست به دست هم داده، هشتصد میلیون جمعیت آسیا را به تدریج و تنزل محکوم کردند» (حکیم بانوی شعر، چاووش اکبری: ۲۰۶).

نتیجه

در مجموع با بررسی، ارزیابی و تحلیل استعاره‌های شعر پروین، میتوان گفت که طرحواره‌های استعاری شعر او همچون گزاره‌ای در ذهنش، بر نگرش او نسبت به هستی و پدیده‌ها تسلط یافته و بنیادهای ذهنی و ایدئولوژیک او را در تصویرگری و توصیفات شعرش آشکار میکند. همچنین درمیابیم که هرچند قید جنسیتی بصورتی محسوس و روشن در بسیاری از طرحواره‌های استعاری شعرهایش دیده نمیشود، اما در مواردی که هویت جنسی شاعر بر گزینش استعاره‌ها و مفهوم‌سازی قلمرو مقصد (مستعارله) «زن» بر قلمرو مبدأهای (مستعارمنه) گوناگون تأثیر گذاشته، میتوان توصیفات زنانه و تشخیص زبانی و سبکی پروین را در فضا سازی و تصویرگری

شعرش با هدف ارتقای نقشهای اجتماعی و مطالبه حقوق زنان مشاهده کرد. در اشعار پروین اعتصامی چهره زنی دانا، فرهیخته و متعهد را میبینیم که از هر فرصتی برای اندرز دادن و نشان دادن راه رستگاری به مخاطب بویژه برای زنان - که به اعتقاد او جامعه‌ساز هستند- استفاده میکند و اغلب برای دست یافتن به آن، مردان و زنان جامعه را به فراگیری علم، دانش، پاکی و صفات خوب توصیه میکند. همچنین با گزینشهای هوشمندانه طرحواره‌های استعاری در ارتباط با مفهوم زن در فضای شعرش، سامانه فکری خود را که ریشه در اعتقادات دینی، اخلاقی، احساسات فردی، اجتماعی و دانش زبانی و ادبی ایشان دارد، پیرنگ و برجسته و بدنبال آن، هر اندیشه و مفهومی را که در تضاد با آنهاست، کمرنگ و یا پنهان میکند و در نتیجه ساختار ذهنی و جهانبینی خود را به مخاطب منتقل و القاء میکند.

منابع فارسی

- ۱- استعاره و مجاز با رویکرد شناختی، آنتونیو بارسلونا، برگردان دکتر فرزانه سجودی، لیلا صادقی، تینا امراللهی، تهران: نقش جهان، ۱۳۹۰.
- ۲- انسان در شعر معاصر، مختاری، محمد، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۷.
- ۳- بررسی روحیه پایداری جوانان در اشعار شاعران زن معاصر(ژاله، قائم مقامی، پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی)، حسین، پاشاپسندی، حسین پارسایی و مکرمه حمیدی، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال چهارم، ش ۱۲، زمستان ۱۳۹۲، صص ۹-۳۰.
- ۴- پروین و اثرپذیری از اندیشه‌های قاسم امین منادی آزادی زن در مصر، ابن‌الرسول، سیدمحمدرضا و محمدی فشارکی، محسن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهیدباهنر کرمان، دوره جدید، سال سوم، ش ۵، زمستان ۱۳۹۰.
- ۵- پروین اعتصامی در یادنامه پروین، بهبهانی، سیمین، گردآوری دهباشی، تهران، دنیای مادر، ۱۳۷۰.
- ۶- «تحلیل تعامل سه شاعر زن معاصر با نمونه‌ای از سنت فرهنگی رایج ایرانی»، زرقانی، سیدمهدی، فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، ش بیستم، بهار ۱۳۹۰، صص ۲۵۰-۲۲۹.
- ۷- چشم‌انداز شعر معاصر ایران، زرقانی، سید مهدی، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۴.
- ۸- حدیث ناگفته، حاتری، سیدهادی، تهران، انتشارات حدیث، (دوجلد)، ۱۳۷۵.
- ۹- حکیم بانوی شعر فارسی: زندگی و شعر پروین اعتصامی، چاوش اکبری، رحیم، تهران، نشر ثالث، ۱۳۸۰.
- ۱۰- «زن از دیدگاه پروین اعتصامی و باحث‌البادیه»، صدقی، حامد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، بهار و تابستان، ۱۳۸۲، صص ۷۵-۱۱۳.

- ۱۱- زنانگی ادب تعلیمی، رهاننده پروین از اضطراب تأثیر، مدرس‌زاده، عبدالرضا و ارباب سلیمانی، صدیقه، نشریه علمی و پژوهشی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال ۸، ش ۲۹، بهار ۱۳۹۵، صص - ۱۲۰ ۹۱.
- ۱۲- مجموعه اشعار پروین اعتصامی، (دیباجه ملک‌الشعراء بهار)، اعتصامی، پروین، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۵.
- ۱۳- معجزه پروین (زندگی، نقد و تحلیل و گزیده اشعار پروین اعتصامی)، قدمیاری، مجید، تهران، انتشارات سخن ۱۳۸۸.
- ۱۴- مقایسه ارزشها در اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی، زهره جعفری و عبدالله نصرتی، بهارستان سخن (فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات فارسی)، سال ۱۲، ش ۲۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص - ۹۸ ۶۹.
- ۱۵- «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف»، هاشمی، زهره، مجله ادب پژوهی، ش ۱۲، تابستان، ۱۳۸۹، صص ۱۱۹-۱۴۰.
- ۱۶- «نقد اصالت زن در شعر پروین اعتصامی»، قاسم صحرايي، محمد خسروی شکیب، فصلنامه تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، ۱۳۸۹، ش ۳، صص- ۱۲۴ ۱۱.

منابع انگلیسی

- 1- «*The Language of Metaphors*», Goatly, Andrew Landon: Routledge, (1997).
- 2- «*Washing The Brain: Metaphor and Hidden Ideology*», Goatly, Andrew, Amesterdam. Philadelphia: Jhon Benjamins, Publishing Company, (2007).
- 3- «*Metaphor In Colture: Univerality and Variatin*», Kovecses, Zoltan, Cambridge: Cambridge University Press, (2005).
- 4- «*Metaphors We Live By*», Lakoff. G & Johnson. M. Chicago and Kondon, The University of Chicago Press, (2003).
- 5- «*Ideology: A Multidisciplinary Approach*», Van Dijk, Teun A. Landon: Sage Publications, (1998).